

مناسبات سیاسی، امنیتی ایران و ترکیه در راستای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای

دکتر حسین شریفی طراز کوهی^۱

منصور جعفرزاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۵

چکیده

ایران و ترکیه از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منحصر به فردی در منطقه برخوردار هستند؛ و به جهت برخورداری از مجموعه توانمندی‌های اقتصادی، فناوری، نظامی، فرهنگی و تاریخ و تمدن با سابقه از حداکثر مؤلفه‌های لازم برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای برخوردارند. تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای در تاریخ مناسبات دو کشور از سابقه طولانی برخوردار است و در سند چشم‌انداز دو کشور نیز تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای پیش بینی شده است. بنابراین این سؤال اصلی مطرح می‌شود که آیا مناسبات سیاسی-امنیتی ایران و ترکیه؛ در تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، از نوع تعارضی و رقابتی خواهد بود و یا تعاملی؟ از این رو در این مقاله تلاش می‌شود در چارچوب نظریه سازه‌انگاری و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ابعاد مختلف مناسبات سیاسی-امنیتی دو کشور قدرتمند همسایه (جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه) در راستای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با بررسی این مناسبات در چارچوب نظریه سازه‌انگاری الکساندر ونت در چهار دوره زمانی: ۱- دوره امپراتوری عثمانی ۲- قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۳- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۴- سند چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ چنین می‌توان نتیجه گرفت که در دوره عثمانی مناسبات دو کشور از رویکردی مبتنی بر منازعه برخوردار بوده است. هر چند این محیط آنارشی^۳ را نمی‌توان به دوره‌های بعدی نیز تعمیم داد. بنابراین مناسبات این دو کشور در دوره عثمانی

۱- دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین(ع).

را با منطق هابزی می‌توان ترسیم نمود. اما پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی مناسبات این دو کشور از فرهنگ هابزی فاصله گرفته و در عوض فرهنگ لاکمی و حتی کانتی تقویت می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز بیشتر وضعیت لاکمی حاکم بوده است. دوره چهارم مناسبات بر اساس سند چشم‌انداز است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال استراتژی تعامل سازنده^۱ و مؤثر در روابط بین‌الملل^۲ است. اما تحقق این سیاست خارجی در مناسبات سیاسی-امنیتی ایران با ترکیه با تهدیدها و فرصت‌هایی همراه است.

کلید واژه‌ها: ایران و ترکیه، ژئوپلتیک، قدرت منطقه‌ای، رقابت، همکاری، منازعه، اسلام‌گرایی و انقلاب اسلامی.

بیان مسأله

بررسی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از آن جهت حایز اهمیت است که این دو همسایه هر کدام از ویژگی‌های منحصر به فردی در منطقه خاورمیانه برخوردارند. بنابراین اتخاذ سیاست تعاملی و یا تعارضی از طرف این دو کشور، نسبت به هم، می‌تواند معادلات مربوط به منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. ترکیه بر اساس اصول کمالیسم همواره سعی کرده است منافع خود را در نزدیکی به غرب تعریف کند. هر چند که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تغییرات زیادی در جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور ایجاد شده است؛ اما در نهایت، پیوستن به اتحادیه اروپا هدف راهبردی ترکیه محسوب می‌شود.

در گذشته این اعتقاد وجود داشت که پس از پایان جنگ سرد، از اهمیت راهبردی ترکیه برای غرب کاسته شده است؛ اما با توجه به بحران‌های موجود در مناطق پیرامونی این کشور، برخلاف آنچه تصور می‌شود، این اهمیت ژئوپولتیک همچنان برای ترکیه محفوظ است. به طوری که بازیگری مؤثر این کشور در مناطقی چون آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه و همچنین نقش تأثیرگذاری که در مسایل مهم منطقه‌ای همچون مسأله فلسطین، بیداری اسلامی و سوریه دارد، باعث شده است نه تنها از موقعیت کلیدی آن کاسته نشود، بلکه حضور روزافزون ترکیه در معادلات منطقه‌ای کاملاً مشهود

2- Constructive Interaction

3- International Relations

است. از طرفی نظام سکولار حاکم بر آن به عنوان نمونه و الگویی مناسب برای سایر کشورهای مناطق پیرامونی این کشور از سوی غرب تجویز می‌شود و این مسأله موقعیت ترکیه را در نزد غرب تثبیت می‌کند. این کشور هر چند که اختلافاتی نیز در مورد مسایل منطقه‌ای یا داخلی، با جهان غرب دارد، اما این اختلاف نظرها چندان جدی نیستند.

اما جمهوری اسلامی ایران نیز همچنان که گفته شد از موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی در منطقه خاورمیانه برخوردار است. قرار گرفتن در قلب انرژی جهان (خلیج فارس و دریای خزر) و برخورداری از منابع انرژی سرشار، به همراه قدرت نرم و تأثیرگذار ایران در مسایل مختلف منطقه‌ای موقعیت ویژه‌ای در اختیار ایران قرار داده است، تا در کانون توجه جهانی قرار گیرد.

از طرفی صدور انقلاب اسلامی ایران به جهان اسلام نتایج بسیار درخشانی داشته است. که نمونه عینی آن بیداری اسلامی است. که به زعم دوستان و دشمنان، این انقلاب‌ها نتیجه الگوپذیری مسلمانان جهان اسلام از انقلاب اسلامی ایران، است. همچنین پایداری جمهوری اسلامی ایران در مقابل استکبار جهانی باعث شده است، الگوی مقاومت کل منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. که پیروزی‌های حزب الله لبنان و جنبش حماس نمونه‌های بارز آن هستند. بنابراین با توجه به ویژگی‌های بارزی که ایران و ترکیه در منطقه دارند، مناسبات سیاسی - امنیتی این دو کشور بسیار حایز اهمیت بوده و نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل دارد.

مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و ترکیه در چارچوب نظریه‌های سیاسی مختلفی قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. اما هر یک از آن‌ها نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارند. در این مقاله با بررسی نظریه‌های مطرح در حوزه روابط بین‌الملل در نهایت تئوری سازه‌نگاری الکساندر ونت به عنوان چارچوب نظری مناسب انتخاب شده است. بر اساس این نظریه مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و ترکیه بیشتر در چارچوب الگوی رقابت و همکاری قابل بحث است. هر چند در مقاطعی از تاریخ سیاسی این دو همسایه الگوی منازعه و یا تعامل غلبه بیشتری داشته است.

ادبیات نظری

از موضوعات مهم روابط بین‌الملل، اتحاد و ائتلاف، تعامل، همکاری، رقابت و تعارض بین دولت‌هاست. دولت‌ها به واسطه برخورداری از توانمندی‌ها و قابلیت‌های مختلف، بازیگر اصلی صحنه بین‌الملل هستند و نوع روابط و تعامل آن‌ها، پیامدهای مثبت و منفی بسیار در زندگی افراد و جوامع بر جای می‌گذارد. از این رو اندیشمندان و متفکران مکاتب مختلف، در صدد تبیین مناسبات دولت‌ها برآمده‌اند. برخی از این مکاتب‌ها، آن‌ها را امری غریزی و ذاتی دانسته که در طبیعت انسانی ریشه دارد و برخی دیگر، برای آن خصلت اکتسابی قایل‌اند. برخی به دنبال کشف ریشه‌های زیست‌شناسی و روانشناختی آن بوده و دیگران در جستجوی علل و عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن می‌باشند. به عبارت دیگر، وجود این پدیده‌ها در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، باعث شده تا برخی به این باور معتقد باشند که همکاری و منازعه از خصوصیات ثابت، دایمی و ازلی انسان محسوب می‌شود. (رنالیست‌ها) و برخی دیگر «برساخته بودن» و شکل‌گیری آن در فرایند تعامل اجتماعی اعتقاد داشته باشند. (سازه‌انگاران) (عسگرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۹:۱۹۰) بنابراین دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل و روابط با همسایگان تحت تأثیر مختصات ساختارهای خویش و نیز کیفیت ساختار بین‌الملل از الگوهای رفتاری خاصی پیروی می‌کنند، که میان اتحاد و ائتلاف، تعامل، همکاری، رقابت و تعارض در نوسان است. یکی از تئوری‌های رایج در روابط بین‌الملل، سازه‌انگاری^۱ یا بر سازندگی است. در مباحث سازه‌انگاران هستی‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما آن‌ها به معرفت‌شناسی نیز کم و بیش توجه داشته‌اند. توجه سازه‌انگاران از یک سو، به انگاره‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌هاست. تأکید آن‌ها بر نقش تکوینی عوامل فکری است که آن‌ها را در برابر مادی-گرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد و در عین حال، به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آن‌ها را از پاسا ساختارگرایان^۲ متمایز می‌سازد. (مشیرزاده، ۱۳۹۰:۳۲۴) از سویی دیگر، تحلیل سازه‌انگاران تأثیر تاریخ در شکل‌دهی به سیاست خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد. مکتب سازه‌انگاری معتقد است که هویت

1- Constructivism

2- Post-structuralism

یک دولت با توجه به ارزش‌های گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند. بدون شک سازه‌انگاری در تحلیل سیاست خارجی الگوی سنتی را نادیده نمی‌گیرد، بلکه با عاریت گرفتن وسایل آن، به احیا روشمند نقش باورها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی می‌پردازد. (ونت، ۱۳۸۴: ۵۶)

الکساندر و نیتیکی از پیشتازان و نظریه پردازان صاحب سبک در ارتباط با تئوری سازه‌انگاری است، وی در نقد رویکرد برخی رئالیست‌ها نظیر کتوالتز^۱ به سیاست بین‌الملل که آن را به صورت نزاع هابزی بر سر قدرت و امنیت به تصویر می‌کشند، از سه فرهنگ آنارشمی متمایز صحبت می‌کند: از نظر وی سرشت نظام در کل یا آنچه که او فرهنگ روابط بین‌الملل می‌نامد، می‌تواند سه حالت داشته باشد: فرهنگ هابزی، لاکی و کانتی که به رفتار دولت‌ها ساختار می‌بخشد. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱)

فرهنگ هابزی	فرهنگ لاکی	فرهنگ کانتی
تعارض	تعامل و رقابت	تعامل

بنابراین اندیشمندانی مانند الکساندر و نیت با نظریه سازه‌انگاری خود مکتب رئالیسم^۲ را به چالش کشیدند. و چنانچه گفته شد از نظر وی بر روابط بین‌الملل صرفاً منطق قدرت و آنارشمی حاکم نیست و نیت روش معتدل‌تری را در ترسیم روابط بین‌الملل در پیش گرفته است. بنابراین با توجه به ظرفیت‌های تئوریک نظریه سازه‌انگاری الکساندر و نیت، در مقاله حاضر سعی شده است این دیدگاه برای تحلیل مناسبات سیاسی-امنیتی ایران و ترکیه در راستای تبدیل به قدرت منطقه‌ای به کار گرفته شود.

مناسبات سیاسی-امنیتی ایران و ترکیه

بررسی و تحلیل مناسبات سیاسی-امنیتی کشورهای همجوار در حوزه روابط بین‌الملل به ویژه در تنظیم و ترسیم چشم انداز آینده روابط حایز اهمیت است. به طور کلی تاریخ مناسبات سیاسی-امنیتی ایران و ترکیه را می‌توان در چهار مقطع مورد مطالعه قرار داد. ۱- دوره امپراتوری عثمانی؛ ۲- قبل از پیروزی انقلاب اسلامی؛ ۳- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛ ۴- سند چشم انداز ۱۴۰۴.

1- Kenneth Waltz

2- realism

۱) مناسبات ایران و ترکیه در دوره عثمانی

در میان همسایگان ترکیه، می‌توان ایران را قدیمی‌ترین همسایه خواند؛ زیرا سایر همسایگان تا چند دهه پیش، یا جزیی از سرزمین امپراتوری عثمانی بودند و یا بخشی از دیگر امپراتوری‌ها محسوب می‌شدند. در دوران قبل از اسلام آناتولی محل رقابت دو امپراتوری ایران و روم بود و هر یک تلاش می‌کردند با تسلط یافتن بر آن، قدرت فایقه جهان شوند. جنگ‌های متعدد ایران و روم گواهی بر این موضوع است. ظهور اسلام و مسلمان شدن ایرانیان این روند را تغییر داد و سبب شد مدتی مرزهای غربی ایران دور از جنگ و درگیری باشد. ظهور دولت صفوی و عثمانی در ایران و آناتولی و تحولات پس از آن سبب شد که روند حوادث به گونه‌ای شکل بگیرد که در نهایت ایران (تبریز) به مرکز تشیع و عثمانی (اسلامبول) به مرکز تسنن تبدیل شوند. (ملکی، ۱۳۸۳: ۵۴)

اصطلاح واگرایی ساختاری^۱ را بر روابط بین امپراتوری عثمانی و ایران در این دوره می‌توان به کار برد. واگرایی ساختاری معطوف به ساخت و نقش قدرت در روابط ایران و عثمانی به مثابه دو واحد سیاسی مجزا است. این دو واحد سیاسی نه تنها ساختارهای سیاسی یکدیگر، بلکه کیان و موجودیت ایدئولوژیکی همدیگر را به رسمیت نمی‌شناختند و در سطح نظری و عملی به نفی این ساختارها سعی می‌کردند. چنین فرایندی مجموعه‌ای از عناصر واگرا در روابط دو دولت شکل داد و مدت سه قرن آن‌ها را به رویارویی کشاند. این دوران از نظر سلسله‌های تاریخ ایران، صفویه، افشار، زند و اوایل قاجاریه را در برمی‌گیرد، یک دوره بلند مدت ۳۳۰ ساله که با استقرار صفویان شیعه مذهب، هویت ایرانی و استقلال ملی در پرتو نهضت شیعی صفویان و در تقابل با جهان تسنن احیا شد. توسعه طلبی‌های امپراتوری سنی عثمانی، در کنار قدرت گرفتن صفویان شیعی در ایران، به تدریج این دو قدرت بزرگ آن زمان را رویاروی یکدیگر قرار داد. درگیری‌ها و جنگ‌های متعددی میان دو کشور به وقوع پیوست و در نتیجه این جنگ‌ها، معاهدات و قراردادهای مهمی منعقد شدند که در تاریخ روابط دو کشور نقش اساسی ایفا می‌کنند. که در ادامه به اهم این منازعات، معاهدات و تعاملات اشاره می‌شود:

1- Structural Divergence

الف) جنگ چالدران^۱

شاه اسماعیل اول از نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی که در سال ۹۰۵ ق. علیه ترکمانان قیام کرده بود، پس از پیروزی بر آق‌قویونلوها در سال ۹۰۷ ق. در تبریز تاجگذاری کرد و آن شهر را به پایتختی خود اختیار نمود و رسماً به تخت سلطنت نشست و به نام خود سکه زد و مذهب شیعه اثنی‌عشری را مذهب رسمی قرار داد. پس از آن که سلطان سلیم در هشتم صفر ۹۱۷ قمری پدرش را به کناره‌گیری از سلطنت مجبور کرد و خود به جای او بر تخت نشست، با هدف ساقط کردن دولت نوپنیا صفوی که آن را خطر بزرگ ایدئولوژیکی می‌پنداشت، مصمم شد که با لشکری عظیم به ایران حمله کند. سلطان سلیم عثمانی که در اوج قدرت بود، بدون اعلان جنگ و کاملاً محرمانه با سپاهی که تعداد آن را در حدود دویست هزار نفر نوشته‌اند به سمت ایران حرکت کرد. شاه اسماعیل پس از آگاهی از لشکرکشی سلطان عثمانی با سپاهی محدود حدود بیست تا چهل هزار نفر در دشت چالدران به مقابله با او شتافت و سرانجام جنگ چالدران میان سپاه قزلباش و ارتش عثمانی در ۳۱ مرداد ۸۹۳ ه. ش رخ داد. (روملو، ۱۳۸۴: ۱۰)

علیرغم رشادت بی‌نظیر سپاه ایران در این جنگ، فزونی قشون عثمانی و استفاده از توپ موجب شد که سپاه شاه اسماعیل شکست را پذیرا شود. عثمانیان پس از پیروزی تا تبریز پیشروی کرده و پس از ورود به تبریز آن‌جا را به ویرانه‌ای تبدیل کردند؛ اما به علت تحلیل رفتن توانشان از سوی مردم تبریز عقب رانده شدند. از نتایج جنگ جداشدن بخشی از خاک ایران از جمله ناحیه دیاربکر بود. منطقه‌ای که ترکیه سال‌ها است در آن با کردها مشکل دارد. به هر حال رشادت فراوان شاه اسماعیل در این جنگ با سپاه اندک‌اش باعث شد تا از این جنگ تاریخی به عنوان «شاه جنگ ایران» نام برده شود. پس از شاه اسماعیل فرزند ارشدش طهماسب میرزا بر تخت نشست و جنگ میان ایران و عثمانی با تعرض و یورش عثمانی‌ها دوباره شروع شد و تا زمان انعقاد «معاهده آماسیه» ادامه یافت. علاوه بر عهدنامه معروف به آماسیه - سال ۹۶۲ ه. ق (۱۵۵۵ م) - بین شاه طهماسب و سلیمان قانونی، عهدنامه‌های متعدد دیگری نیز در دوره صفویه، افشار، زندیه و قاجار بین ایران و همسایه غربی‌اش در مورد حل اختلاف‌ها و تعیین

1- Battle of Chaldiran

مرز بین دو کشور به امضا رسیده است. مهم‌ترین عهدنامه‌های منعقد شده بین دو کشور از دوره صفویه تا دوره محمدشاه قاجار عبارت‌اند از: عهدنامه آماسیه ۹۶۲ ق (۱۵۵۵ م)، عهدنامه اول و دوم استانبول ۹۹۸ / ۱۰۲۱ ق (۱۵۹۰-۱۶۱۳ م)، عهدنامه ایروان ۱۰۲۷ ق (۱۶۱۸ م)، عهدنامه زهاب (قصرشیرین) ۱۰۴۹ ق (۱۶۳۹ م)، عهدنامه کردان ۱۱۵۹ ق (۱۷۶۴ م)، عهدنامه اول ارزنه‌الروم ۱۲۳۸ ق (۱۸۲۳ م) و عهدنامه دوم ارزنه‌الروم ۱۲۶۳ ق (۱۸۴۷ م).

ب) معاهده آماسیه

اختلافات مذهبی بین ایران و عثمانی، اگر چه در آغاز دوره صفویه، شدید بود؛ اما در زمان شاه طهماسب در اثر انعقاد معاهده آماسیه اختلافات مذهبی کاهش یافت و به روابط نسبتاً دوستانه‌ای تبدیل شد.

با روی کار آمدن شاه طهماسب تعرض و یورش عثمانی‌ها دوباره شروع شد و سلطان سلیمان قانونی رویه پدرش - سلطان سلیم - را پیش گرفت و با استفاده از مسایل داخلی ایران چند بار به ایران حمله کرد. عثمانی‌ها در چندین مرحله در سال‌های ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۵۵ و ۹۶۱ به میانه، وان، مرند و نخجوان حمله کردند. در این جنگ‌ها قوای عثمانی به علت تحمل تلفات، جنگ و گریزها و شیبخون‌های قوای صفوی، ناگزیر به بازگشت و خروج سریع از مناطق اشغالی شدند. در آخرین لشکرکشی عثمانی، نیروهای صفوی با شیبخون‌های خود، ضرباتی به قوای عثمانی وارد کردند که سلطان سلیمان را متأثر و نگران کرد و به چاره‌جویی واداشت. در این حمله با توجه به این‌که سلطان سلیمان نتوانست به یک پیروزی قطعی دست یابد، به قرارداد صلحی در آماسیه رضایت داد. این توافق‌نامه به جنگ‌های طولانی بین دو کشور برای مدتی خاتمه داد، و در اثر آن روابط میان دو کشور رو به بهبودی گذاشت، و لحن نامه‌های طهماسب و سلیمان به یکدیگر محترمانه، آرام و ملایم‌تر شد. (جیشا، ۱۶۹: ۱۳۷۰) و (مشفق فر، ۱۳۸۲: ۵)

ج) قراردادهای صلح استانبول

پس از درگذشت شاه طهماسب و اختلاف سرداران قزلباش برای تعیین جانشین وی، در ایران تا اندازه‌ای ناآرامی به وجود آمد. عثمانی‌ها که از وضع داخلی ایران آگاه

بودند، از فرصت استفاده کرده و به‌منظور تسخیر قسمت‌هایی از ایران، لشکرکشی کردند. درگیری‌ها تا زمان شاه عباس ادامه یافت و مناطقی از غرب و شمال غرب ایران در اشغال عثمانی ماند. شاه عباس اول در آن شرایط آشفته، به طور موقت، با دولت عثمانی صلح کرد. دولت عثمانی نیز پس از فراغت از ایران، متوجه نبرد با دشمنان اروپایی خود شد. شاه عباس وقتی از لشکرکشی سلطان مراد سوم به اروپا و جنگ با عیسویان خبردار شد، ضمن اظهار خرسندی، در نامه‌های دوستانه و محبت آمیز، فتح و پیروزی را برای سلطان غازی آرزو و آمادگی قلباش را برای جهاد با کفر اعلان کرد. شاه عباس، سلطان عثمانی را مجاهد و غازی خطاب کرد و جنگ با فرنگیان را به مثابه جهاد با کفار واجد ارزش قلمداد نمود. هر چند وی پس از سر و سامان دادن به آشوب‌های داخلی و بازسازی و تجدید ساختار ارتش ایران، طی جنگ‌های متوالی، آذربایجان و ارمنستان و حتی بغداد را نیز فتح کرد. (عابدینی، ۱۳۸۸: ۱۰۳) بنابراین معاهده اول استانبول در سال ۹۹۸ق. میان شاه‌عباس و دولت عثمانی در شرایطی امضا شد که شاه برای سرکوبی ازبکان ترجیح داد با دادن امتیازاتی به عثمانی با آنان قرارداد صلح امضا کند. اما پس از آن که پانزده سال از سلطنت شاه‌عباس گذشت، شاه خود را آن‌قدر قوی دید که بتواند به تنهایی با سلطان عثمانی جنگ کند. با روی کار آمدن سلطان محمد دوم، قدرت ترکان به علت جنگ‌های پی‌درپی با اتریش و درگیری‌های دیگر با اروپاییان و بالاگرفتن شورش‌های قومی - مذهبی در آسیای صغیر رو به ضعف گذاشته بود، به‌همین دلیل شاه موقعیت ایران را برای حمله مناسب دید و در سال ۱۰۱۲ق. عازم تبریز شد و علی‌پاشا، فرمانده ترک مقیم تبریز، را غافلگیر کرد و توانست به‌سرعت این شهر را که هیجده سال در اشغال عثمانیان بود، آزاد کند. در همین زمان سلطان محمد دوم درگذشت و جانشین او سلطان احمد اول با سپاه عظیم عازم آذربایجان شد؛ اما شکست خورد. به این ترتیب سراسر آذربایجان، قفقاز، کردستان و شمال بین‌النهرین به دست ایرانیان افتاد. در این زمان، شاه به سلطان عثمانی پیغام داد چون قصد تصرف خاک عثمانی را ندارد، در صورتی که دولت عثمانی از ادعای خود نسبت به ایالات ایران دست بردارد، حاضر به امضای قرارداد صلح می‌باشد. اما چون ترکان این پیشنهاد را که جنبه تهدید داشت، نپذیرفتند و به همین دلیل بار دیگر جنگ میان دو کشور در گرفت. این جنگ با شکست عثمانی خاتمه یافت و سرانجام عهدنامه دوم استانبول میان دو

طرف منعقد شد. (<http://www.rasekhoon.net/article/show-19042.aspx>)

د) معاهده زهاب

با مرگ شاه عباس اول و روی کار آمدن شاه صفی، دولت صفوی از جهت داخلی و خارجی با مشکلات متعددی روبرو شد. در عرصه روابط خارجی دولت صفوی با دو جنگ ناخواسته از سوی عثمانی مواجه شد. سلطان مراد چهارم، با بهانه قرار دادن محاصره وان از سوی قزلباشان و در واقع با نیت تسلط بر قفقاز و تصرف ایروان در شوال سال ۱۰۴۴ ه.ق با لشکری بزرگ به مرزهای شمال غربی ایران حمله کرد و با تصرف ایروان بخشی از قفقاز را به خاک عثمانی ضمیمه ساخت. سپس به تبریز تاخت و این شهر را ویران کرد. اگر چه این حادثه تلخ هفت ماه و نیم بعد، با رشادت بی نظیر سپاه قزلباش جبران شد و بار دیگر ایروان به آغوش ایران بازگشت، اما باز پس‌گیری ایروان برای دولت عثمانی گران آمد و او این بار در ۱۰۴۸ ق به بغداد لشکر کشی کرد و بعد از نبردی سخت میان طرفین، این شهر به تصرف عثمانی در آمد و دولتمردان صفوی با تن دادن به این شکست بزرگ و تلخ حاضر شدند معاهده «زهاب» را امضا کنند و این شکست را به حساب مشیت الهی گذاشتند و دیگر هیچ تلاشی برای باز پس‌گیری بغداد و عراق عرب به عمل نیاوردند. این اقدام با انعقاد معاهده زهاب صورت رسمی پیدا کرد و به این ترتیب عراق عرب که از جهات گوناگون به ویژه از نظر ایدئولوژیک برای دولت صفوی اهمیت داشت، از ایران جدا شد و به عثمانی پیوست. (صالحی، ۱۳۸۸: ۷۸)

ه) معاهده کردان

با روی کار آمدن نادرشاه عملاً دوران سلطنت شاهان صفوی به پایان رسید. زمانی نادرقلی افشار زمام امور را به دست گرفت که اوضاع داخلی حکومت دچار هرج و مرج شده بود، حمله افغان‌ها به خراسان و اشغال قسمت‌هایی از خاک ایران از سوی عثمانی‌ها همچنین حضور امپراتوری روس در شمال ایران، موقعیت خاصی را برای نادرشاه به وجود آورد. نادر، در فاصله کمتر از ۲ سال توانست با سرکوب افغان‌ها به حکومت آنان خاتمه دهد و بعد از آن متوجه ترکان عثمانی شد تا اراضی اشغالی را از آن‌ها پس بگیرد، اما علیرغم سال‌ها جنگ نتوانست به پیروزی قطعی دست یابد، بنابراین با برقراری صلح موافقت کرد که پس از انجام مذاکرات طرفین به امضای

قرارداد صلح «کردان» در سپتامبر ۱۷۶۴م. منجر شد. بر اساس این قرارداد هر دو طرف قبول کردند مرزهای آن‌ها بر طبق قرارداد زهاب که بین شاه صفی و سلطان مراد چهارم در سال ۱۶۳۹ میلادی منعقد شده بود، برقرار باشد و طرفین متعهد شدند تا آن را محترم بشمارند و از تجاوز خودداری کنند. (منصوری لاریجانی، <http://www.dsrc.ir>)

(و) معاهده ارزروم

انعقاد دو عهد نامه اول و دوم ارزنه الروم (۱۲۳۸ق/۱۸۲۳م و ۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م) را باید به عنوان یک نقطه عطف تاریخی که فصل جدیدی در روابط دو کشور گشود به حساب آورد. عهدنامه اول مبتنی بر توافقات قبلی دو دولت بود و بر اساس آن چنین مقرر شده بود که اقدامی جز بر مبنای قانون شرع صورت نگیرد، در این عهدنامه پادشاه ایران و سلطان عثمانی در ردیف هم و به عنوان حاکم مسلمان دو مملکت دانسته شده و برای اولین بار ایرانی‌ها به عنوان اتباع خارجی از سوی کارگزاران باب عالی به رسمیت شناخته شده بودند. ایرانی‌ها نیز همانند اروپایی‌ها از این حق برخوردار شدند که با حکومت مرکزی ارتباط برقرار کنند. عهدنامه دوم ارزنه الروم که میرزا تقی خان امیرکبیر از طرف دولت ایران مأمور مذاکره با دولت عثمانی بود بر پایه عهدنامه اول میان دو دولت بسته شد، از ایران به عنوان یکی از دولت‌های دوست، «دول محبّه» یاد شده بود. این تعبیر ایران را در ردیف کشورهای نظیر فرانسه، بریتانیا، هلند، سوئد، پروس و اسپانیا قرار داد و از آن جهت اهمیت داشت که ایران به عنوان یک کشور اسلامی از جایگاهی برابر با کشورهای غربی برخوردار شد. (بروس، ۱۳۸۵: ۱۵۵)

(۲) مناسبات دو کشور بعد از تأسیس ترکیه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

با پایان گرفتن جنگ اول جهانی، تحولات جدیدی در صحنه نظام بین‌الملل به وقوع پیوست، به طوری که بر اثر سیاست‌های قدرت‌های پیروز جنگ اول جهانی در قبال عثمانی، این امپراتوری به سمت فروپاشی رفت و در نهایت در سال ۱۹۲۳ م. با فروپاشی و تجزیه کامل، دولت‌های جدیدی در منطقه تأسیس شدند که ترکیه امروزی نیز از جمله این کشورها است. ترکیه با به‌ارث‌بردن میراث عثمانی، عملاً جای آن را گرفت و از این تاریخ به بعد روابط ایران و عثمانی، به روابط ایران و ترکیه تغییر نام یافت. (جمهوری ترکیه، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

تجزیه عثمانی همزمان با کنار رفتن سلسله قاجاریه در ایران و روی کار آمدن رضاخان پهلوی بود. ظهور آتاتورک در ترکیه و به قدرت رسیدن رضاخان در ایران و نزدیکی مشرب فکری این دو پادشاه، نزدیکی روابط دو کشور را رقم زد. به ویژه هنگامی که رضاخان طی سفری به ترکیه کوشید تا ایران را در بسیاری از عرصه‌ها هم‌رنگ ترکیه سازد. رضاخان در روز شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ ه.ش. در دوره سلطنتش، از کشور ترکیه با دعوت رییس جمهوری آن کشور بازدید کرد؛ این سفر تنها مسافرت خارجی رضاه شاه بود. ایران و ترکیه اولین پیمان دوستی را در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۰۵ ه.ش. (۱۹۲۶ م) با امضای معاهده ودادیه و تأمینیه بین دو کشور عملی کردند. اصول اساسی حاکم بر روابط دو کشور شامل دوستی، بی طرفی و عدم تجاوز می شد. آن‌ها همچنین موافقت کردند که تأسیس و توقف تأسیسات و دستجاتی را که مقصود آن‌ها بر هم زدن صلح و امنیت مملکت متعاقد و یا تغییر حکومت آن باشد را در خاک خود اجازه نداده و همچنین تبلیغات در هر دو کشور علیه کشور دیگر ممنوع باشد. (همان، ۱۳۸۸: ۲۹۲) و قرار شد مذاکرات مربوط به انعقاد موافقتنامه‌های گمرکی و سرحدی و مبادلات پستی و غیره نیز بلافاصله آغاز شود. در واقع مسافرت رضاشاه به ترکیه در ۱۳۱۳ ه.ش. فصل جدیدی در روابط دو کشور گشود که امضای عهدنامه‌های زیر از آن جمله است.

- ۱- عهدنامه امنیت منطقه سرحدی و تسویه و اختلافاتی که در منطقه مزبور، به ظهور رسید. مورخه ۱۳۱۵/۱۲/۲۳؛
- ۲- عهدنامه تجاری و دریانوردی مورخه ۱۳۱۵/۱۲/۲۳؛
- ۳- عهدنامه تعاون قضایی در مسایل مدنی و تجاری ۱۳۱۵/۱۲/۲۲؛
- ۴- موافقتنامه تنظیم طرز عمل دفاتر گمرکات سرحدی ایران و ترکیه ... (نفسی، ۱۳۴۵: ۱۵۰).

از دیگر پیامدهای سفر رضاشاه به ترکیه انعقاد پیمان «سعدآباد» در تهران در سال ۱۳۱۶ ه.ش. میان وزیران چهار کشور منطقه بود. در واقع بین دو جنگ جهانی فکر انعقاد پیمان دفاعی بین کشورهای منطقه به‌عنوان سدی در مقابل توسعه نفوذ شوروی به سوی خلیج فارس و چاه‌های نفت خاورمیانه در میان زمامداران انگلستان به‌وجود آمده بود.

اما در دوره محمدرضا (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش) روابط دو کشور ایران و ترکیه بر پایه یک سیاست مشترک یعنی بر مبنای هم‌پیمانی با غرب و امریکا بنا نهاده شده بود؛ هر چند فراز و فرودهایی هم در این روابط به چشم می‌خورد؛ اما به طور کلی این دو کشور در مقطع ۳۷ ساله حکومت محمدرضا شاه گام‌های اساسی را در جهت توسعه پیوندهای سیاسی، نظامی و اقتصادی برداشتند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انعقاد پیمان بغداد در سال ۱۳۳۴ ه.ش؛ ۲- انعقاد پیمان ستو در سال ۱۳۳۸ ه.ش؛
- ۳- تشکیل سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه موسوم به ار سی دی^۱ در سال ۱۳۴۳ ه.ش.

۳) مناسبات ایران و ترکیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ ه.ش نه تنها باعث سقوط یکی از کلیدی‌ترین رژیم‌های متحد غرب در خاورمیانه شد، بلکه انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش و محرک جنبش‌های اسلامی در دیگر کشورهای منطقه و جهان اسلام شد. در واقع با پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی پیوندهای ایران با جهان غرب به یکباره گسسته می‌شود و یکی از حلقه‌های اصلی متحدین امریکا در منطقه خاورمیانه از دور خارج شده و بدین ترتیب همگرایی حاکم بر دو کشور ایران و ترکیه نیز در منطقه از بین می‌رود. به‌طوری‌که ترکیه و ایران بعد از انقلاب اسلامی از جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های متفاوتی برخوردارند و ترکیه به شدت نگران تأثیر پذیری گروه‌های مذهبی در پیروی از مدل حکومتی جمهوری اسلامی ایران است.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران باعث تغییر جهت اساسی در سیاست خارجی شد که خروج از ستو در ۲۵ مارس ۱۹۷۹ (۵ فروردین ۱۳۵۸) و روی نمودن به عدم تعهد از جمله مظاهر بارز آن بود. ترکیه اندکی قبل از پیروزی انقلاب سفیر خود را فراخواند و سپس با خلع سفرای رژیم گذشته از سوی جمهوری اسلامی ایران روابط سیاسی دو کشور به سطح کاردار تنزل یافت. به رغم نگرانی‌های مقامات ترک، دولت سوسیال دموکرات بولنت اجویت^۲ (حزب جمهوری خواه خلق)، در جهت افتتاح باب مراد با دولت انقلابی ایران و تقویت مناسبات دو کشور پیشقدم شد. در همین راستا در نیمه

1- Regional Cooperation for Development (RCD)

1- Bülent Ecevit

دوم خرداد ۱۳۵۸ ه.ش. وزیر امور خارجه وقت ترکیه به ایران سفر نمود. با شکست اجویت در انتخابات اکتبر ۱۹۷۹ م. و روی کار آمدن سلیمان دمیرل^۱ رهبر حزب عدالت گرایش شدیدی به راست در سیاست‌های ترکیه پدید آمد. و در این زمان دولت دمیرل نسبت به مصاحبه حضرت امام خمینی (ره) که فرموده بودند: «اگر سرنیزه را از این ملت‌ها بردارند، از عراق بردارند، از - نمی‌دانم - ترکیه بردارند، از جاهای دیگر بردارند، همه یک‌صدا با ما موافقت» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۹۸) عکس‌العمل نشان داد و خانواده‌های دیپلمات‌های ترک در ایران را فراخواند. تأثیر بخشی انقلاب اسلامی بر کشور ترکیه از زمان پیروزی انقلاب دیده شده است. ژنرال کنعان اورن^۲ هدف از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه را متوقف کردند، روند رو به گسترش اسلام‌گرایی دانست و گفت: اگر این آتش به موقع خاموش نشود، ممکن است سراسر کشور را فرا گیرد. (جمهوری ترکیه، ۱۳۸۸: ۲۹۶)

امضای قرارداد دفاعی - اقتصادی بین امریکا و ترکیه در فروردین ۱۳۵۹ ه.ش. سبب تشدید سوءظن ایران و ترکیه شد. واشنگتن به دلیل آن‌که متحد کلیدی و استراتژیک خود (ایران) را با سقوط رژیم شاه در منطقه خاورمیانه از دست داده بود؛ علاقمند بود تا روابط خود با ترکیه را تحکیم بخشد. مجموعه این عوامل سبب شد تا قرارداد همکاری دفاعی امریکا و ترکیه منعقد گردد. از سویی تشدید سوءظن بدین دلیل بود که در آن زمان شایعاتی مبنی بر احتمال حمله امریکا به ایران مطرح بود و ترکیه می‌توانست به‌عنوان پایگاهی مناسب برای این‌گونه حملات مورد استفاده قرار گیرد، اما دمیرل اعلام نمود که ترکیه اجازه نخواهد داد از پایگاه‌هایش جهت حملات بر علیه ایران استفاده شود. از دیگر فزاینده‌های روابط دو کشور می‌توان به عدم همراهی ترکیه با تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران اشاره نمود. ترکیه در این مقطع علیرغم هماهنگی کشورهای غربی در وارد آوردن فشار اقتصادی به ایران، در جناح آن‌ها قرار نگرفت و در این زمینه به همکاری اقتصادی خود با ایران ادامه داد. (اخباری، ۱۳۸۳: ۲۵۶)

اما تورگوت اوزال^۳ با حضور در عرصه قدرت در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ م حزب مام میهن را به عنوان تنها حزب قانونی ترکیه بعد از کودتای نظامیان تشکیل داد و سعی

1- Süleyman Demirel

2- Kenan Evren

3-Turgut Özal

کرد به نحوی از نفوذ نظامیان بر کشور بکاهد. وی که در ابتدا نخست وزیر ترکیه بود، بعد از برکناری ژنرال اورن در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ م. رهبری ترکیه را بر عهده گرفت و به عنوان یک رئیس جمهور غیر نظامی به سیاستمداران فرصت داد تا به عرصه رقابت-های سیاسی بازگردند. از سوی دیگر، با ظهور تورگوت اوزال به عنوان رهبر حزب مام میهن در سال ۱۹۸۳ م. و احراز پست نخست وزیری و سپس رئیس جمهوری ترکیه، از سوی وی تحولی تدریجی در روابط ایران و ترکیه پدید آمد. به نظر می‌رسد ترکیه در دوران اوزال به واقع‌گرایی در سیاست خارجی رسید و وی سعی نمود با نادیده گرفتن ماهیت متفاوت رژیم‌های سیاسی دو کشور، روابط دوجانبه را بر اساس یک سیاست پراگماتیستی^۱ و مبتنی بر اولویت متغیر اقتصاد باسازی کند. در واقع، هنر او این بود که بدون این‌که خود را در مقابل نخبگان لاییک به ویژه سران ارتش قرار دهد، احساسات ضدیت با ایران و انقلاب اسلامی را در نزد نخبگان سیاسی ترکیه کاهش داد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و نیاز ایران به یافتن راه‌هایی غیر از خلیج فارس برای صادرات و واردات، سبب نزدیکی و افزایش هر چه بیشتر روابط دو کشور از لحاظ اقتصادی شد. بنابراین ترکیه در دوران جنگ تحمیلی در عین حالی که به اصول کمالیسم پایبند ماند با عدم دخالت در جنگ بیشترین منافع اقتصادی را از آن خود ساخت. اوزال که از وی به عنوان معمار ترکیه نوین یاد می‌شود، با درک صحیح دیدگاه‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران و با همکاری مسؤولان وقت ایران، روابط دو کشور را به سمتی سوق داد که در آن هم منافع ملی دو کشور لحاظ شده بود و هم جو تنش‌آمیز بر روابط دو کشور حاکم نبود. در مجموع روابط ایران و ترکیه در عصر اوزال به اندازه‌ای در بعد اقتصادی گسترش یافت؛ اما در بعد سیاسی گسترش نیافت. اما روابط دو کشور طی سال‌های بعد تأثیرات فراوانی از روند روابط دو کشور در این دوره پذیرفت. در دوره تورگوت اوزال، حزب اسلامگرای رفاه به رهبری نجم‌الدین-اربکان تشکیل شد و با موقعیتی که در انتخابات پارلمانی کسب نمود یک دولت ائتلافی را در سال ۱۹۹۶ م. تشکیل داد. (دهقان و حسین پور، ۱۳۹۰: ۲۲ و ۲۱)

سال ۱۳۶۴ ه.ش با آمدن تورگوت اوزال به ایران فصل نوینی در روابط ترکیه لائیک و ایران انقلابی به وجود آمد. به طوری که ایران در مقاطعی نقش مهمی را در روابط

ترکیه با دیگر بازیگران منطقه ایفا کرده است که می‌توان به نقش میانجی‌گری ایران در اختلاف میان سوریه و ترکیه بر سر تحویل سران پ.ک.ک^۱ اشاره کرد. اما اکنون که مجدداً اسلامگرایان قادر شده‌اند در قالب حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان تشکیل دولت دهند، فضا برای گسترش روابط مهیاتر شده است. هر چند گروه‌های اسلامگرا تاکنون خط مشی‌های متفاوتی را از خود در عرصه سیاست خارجی به‌ویژه در بحران سوریه نشان داده‌اند.

به طور کلی ترکیه و ایران از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوتی برخوردارند که احتمالاً هرگز نمی‌توان آن‌ها را به طور کامل با هم سازگار ساخت. اما این نوع اختلافات لزوماً نباید بر جایگاه استراتژیک و ارتباطات بین‌المللی هر یک از آن‌ها تأثیر گذارد. از این رو علاوه بر مناسبات دوجانبه، در قالب سازمان‌های منطقه‌ای (اقتصادی و سیاسی - امنیتی) نیز روابط دو کشور در حال جریان است که به صورت کلی عبارت‌اند از: ۱- سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و)^۲؛ ۲- گروه هشت اسلامی (D8)^۳ - سازمان همکاری‌های اسلامی (کنفرانس اسلامی)^۴.

۴) مناسبات ایران و ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه

با پیروزی حزب اسلامگرای اعتدال و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۰۲م. فضا برای بهبود روابط دو کشور مهیا شد. بنابراین روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه نویدی خوش برای ایران تصور می‌شد و می‌توانست به میزان زیادی به عنوان یک مؤلفه مثبت در روابط بین دو کشور باشد.

سیاست خارجی حال حاضر ترکیه از اندیشه‌های وزیر امور خارجه این کشور نشأت می‌گیرد. به باور احمد داوود اوغلو^۵ برخورداری از «عمق استراتژیک» مهم‌ترین دارایی ترکیه است. وی معتقد است ترکیه به سبب ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی تعلق صرف به یک نقطه خاص ندارد و به صورت توأمان متعلق به مناطق جغرافیایی مختلفی است. به باور او محدود کردن ترکیه به نقش آفرینی در یک منطقه محدود مثلاً

1- Partiya Karkerên Kurdistan (PKK)
2- Economic Cooperation Organization (ECO)
3- Developing 8 Countries(D8)
4- Organisation of Islamic Cooperation
5- Ahmet Davutoğlu

بالکان و یا خاورمیانه اشتباه است، چرا که ترکیه یک قدرت منطقه‌ای نیست؛ بلکه یک «قدرت مرکزی» است. از سوی دیگر چون ترکیه یک قدرت مرکزی است، قادر است در مناطق مختلف جهان نقش آفرین باشد و به بازده آن هم که، اهمیت استراتژیک است کاملاً خوش بین باشد. در این تعریف ترکیه کشوری است که همزمان در مناطق مختلف خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان، حوزه دریای خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه صاحب نفوذ و تأثیرگذاری است و در تمامی این مناطق نقش استراتژیک و محوری دارد. از این روست که برخی اقدامات سیاست خارجی کنونی ترکیه ظاهری ناهمگون داشته و البته متناقض به نظر می‌رسد، مانند داشتن همزمان روابط استراتژیک نظامی - تجاری با رژیم صهیونیستی اسرائیل و حمایت از مردم فلسطین و به راه انداختن کاروان آزادی، هم پیمانی با امریکا و اروپا و روابط حسنه با ایران، اتحاد استراتژیک با جمهوری آذربایجان و تلاش برای عادی سازی روابط با ارمنستان، ادعای اسلامگرایی حزب عدالت و توسعه و پیشنهاد انتخاب ساختار لائیسم به دولتمردان مصری، موافقت با استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و حمایت از فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و موارد دیگر که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) استقرار سپر دفاع موشکی ناتو

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)¹ تشکیلاتی سیاسی - نظامی است و ترکیه یکی از قدیمی‌ترین اعضای پیمان ناتو به شمار می‌رود و به دلیل همسویی با جهان غرب، از امتیازات فراوانی به ویژه در حوزه اقتصادی برخوردار شده است. موضوع استقرار سیستم دفاع موشکی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در خاک ترکیه، واکنش‌های متفاوتی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال داشته است. در صحنه داخلی ترکیه، با توجه به بافت متکثر این کشور، دیدگاه‌های مختلفی در این رابطه مطرح شد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: دیدگاه نخست معتقد است که با توجه به تعهدات دیرپا، سنتی و قانونی ترکیه در

1- North Atlantic Treaty Organization(NATO)

قبال پیمان ناتو، عدم پذیرش این طرح از سوی آنکارا موجب انزوای هر چه بیشتر ترکیه از جهان غرب، آسیب به امنیت ملی این کشور و کند شدن بیش از پیش روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا (با توجه به عضویت بیش از ۲۱ عضو اتحادیه اروپا در ناتو) می‌شود. این دیدگاه از سوی جریان‌های سیاسی، نظامی و دانشگاهی ترکیه به ویژه محافل لائیک و ملی‌گرا، به شدت حمایت می‌شود.

دیدگاه دوم معتقد است که با توجه به مناسبات و ملاحظات ترکیه در قبال کشورهای همسایه و وارد شدن آسیب جدی به چهره و جایگاه نوین ترکیه در سطح منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، آنکارا نباید قربانی و دست‌آویز اختلافات سیاسی و نظامی برخی از کشورهای غربی و نیز اسرائیل با ایران شود و با پذیرش این طرح، سیاست خارجی متوازن و مستقل چند سال اخیر و نیز روند رو به رشد مناسبات ترکیه با ایران را به مخاطره اندازد.

در میان دو دیدگاه یاد شده، رویکرد متعادل و محتاطانه مقامات سیاسی حزب عدالت و توسعه و نیز مقامات ارشد نظامی نزدیک به این جریان سیاسی قرار دارد که متأثر از دکترین عمق استراتژیک و ضرورت حفظ توازن استراتژیک در سیاست خارجی ترکیه، درصدد بود با برگزیدن راه میانه‌ای، ضمن حفظ مناسبات رسمی رو به گسترش با کشورهای همسایه به ویژه ایران، از پذیرش و استقرار این طرح به عنوان بخشی از تعهدات قانونی و رسمی آنکارا در قبال ناتو نیز شانه خالی نکند. از این رو بود که پس از رایزنی‌های فراوان در آنکارا و بروکسل، مقامات ترکیه اعلام نمودند که با در نظر گرفتن شرایط زیر حاضر به پذیرش و اجرای این طرح در خاک ترکیه هستند:

۱- تهدید آمیز نبودن این طرح علیه هیچ یک از همسایگان ترکیه و حذف نام ایران از کشورهای هدف؛

۲- پوشش دادن همه خاک ترکیه از سوی این طرح؛

۳- شریک کردن آنکارا در سیستم فرماندهی و کنترل این طرح؛

۴- عدم خروج اطلاعات این سیستم به کشورهای غیر عضو ناتو به ویژه اسرائیل. (کوزه

گرکالچی، ۱۳۸۹: ۱۲)

اما به هر حال هدف از استقرار این سامانه موشکی مقابله با تهدیدهای موشکی جمهوری اسلامی ایران است و روسیه، چین و کره شمالی را نیز باید به آن اضافه کرد.

هر چند ترکیه تهدید آمیز نبودن این طرح علیه هیچ یک از همسایگان ترکیه و حذف نام ایران از کشورهای هدف را مطرح نموده است؛ اما در نهایت نباید آن را جدی قلمداد کنیم. چون که طرح استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه - حتی با توجه به تعدیل‌هایی که در پذیرش آن صورت گرفت - تهدیدی جدی متوجه امنیت ملی ایران است.

ب) بیداری اسلامی

موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه به دلیل تشابهات آن‌ها با انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ بار دیگر انقلاب اسلامی را در یادها و افهام مردم و رسانه‌های جهان زنده کرده است. اگر چه جهان غرب و اروپا بسیار تلاش می‌کنند ماهیت اسلامی این انقلاب‌ها را پنهان کنند و یا کم اهمیت جلوه دهند، اما نشانه‌های فراوانی وجود دارد که حکایت از روح اسلامی این تحولات دارد. آمریکا و کشورهای اروپایی هر چند تلاش می‌کنند که در ظاهر از انقلاب‌های مردمی حمایت کنند؛ اما در عمل به هیچ وجه حاضر نیستند حاکمان مستبدی که سال‌ها برای آن‌ها خوش خدمتی کرده‌اند و متحد منطقه‌ای آن‌ها محسوب می‌شوند را از دست بدهند و بنابراین تمام تلاش خود را معطوف نموده‌اند که این حکام مستبد سقوط نکنند تا منافع آن‌ها در منطقه حفظ شود. این تحولات فراگیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که روز به روز ابعاد جدیدی می‌یابد، رویکردهای متفاوتی را از سوی کشورهای دنیا به دنبال داشته است. در این بین مواضع کشور ترکیه در قبال تحولات اخیر قابل تأمل به نظر می‌رسد. مواضع و رویکرد ترکیه نسبت به کشورهای درگیر متفاوت بوده به طوری که از بی تفاوتی و سکوت تا اتخاذ موضع قاطع در قبال خیزش‌های مردمی در نوسان بوده است. از این رو برخی ترکیه را به تناقض در سیاست‌گذاری خارجی متهم می‌کنند. به نظر می‌رسد متغیر منافع ملی و نسبت آن با تحولات در کشورهای یاد شده مهم‌ترین عامل اتخاذ مواضع متفاوت طی این تحولات بوده است. ترکیه هر چند در قبال انقلاب تونس موضع انفعالی گرفت؛ اما در مورد انقلاب مردم مصر فعالانه‌تر وارد عرصه شد، به طوری که از معترضان حمایت کرد و موضع سرسختانه‌ای نسبت به حسنی مبارک اتخاذ نمود. حمایت تلویحی از رژیم‌های سیاسی قذافی، آل خلیفه و عبدالله صالح ابهامات فراوانی را درباره ماهیت واقعی سیاست خارجی دولتمردان حزب عدالت و

توسعه پدید آورد. (جعفری، ۱۳۹۰: ۶۰)

اما در مورد بحرین، ترکیه در قبال وضعیت در حال ظهور زبانی مبهم به کار گرفته است. ترک‌ها از انتقاد کردن از یک طرف درگیری پرهیز کرده و به جای آن اظهار داشته‌اند که ما از همه طرف‌ها در بحرین می‌خواهیم که از کاربرد خشونت خودداری کنند. برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که دیدگاه‌های ترکیه در قبال بحرین بر اساس بلند پروازی‌های تجاریش در منطقه خلیج فارس شکل می‌گیرد. حجم تجارت میان ترکیه و بحرین از ۱۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۹ به ۲۴۴ میلیون دلار در ۲۰۱۰ م. افزایش پیدا کرده است. این مواضع متناقض نشانگر بازی ترکیه در بستر تحولات اخیر و اتخاذ مواضع متفاوت در قبال آن، در جهت دستیابی به منافع حداکثری با اولویت نزدیک شدن به جهان غرب است.

به طوری که اروپا و آمریکا در این میان تلاش می‌کنند تا در صورت عدم توانایی در حفظ حکام مستبد، لاقابل ساختارهای حکومتی در آینده نزدیک به مواضع انقلاب‌های اسلامی شکل نگیرند. اما با توجه به شناختی که مردم منطقه نسبت به شیطنت‌ها و اهداف استکباری جهان غرب پیدا نموده‌اند این خواسته غرب با مقاومت همراه خواهد بود از این روکشوری مانند ترکیه که با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه روابط خود را با رژیم صهیونیستی اسرائیل به ظاهر تنزل داده و با اتخاذ مواضع ضد صهیونیستی و حمایت از مردم فلسطین جایگاهی در بین مسلمانان کسب نموده است، بهترین گزینه برای بیان خواسته‌های آن‌ها محسوب می‌شود. از این روست که رجب طیب اردوغان با سفر به مصر خواستار انتخاب نظام سیاسی لائیک برای آینده این کشور می‌شود. بنابراین در رویارویی و قدرت نمایی ایران با موج بیداری اسلامی در مقابل آمریکا و اروپا، به نظر می‌رسد مواضع ترکیه در همراهی با جهان غرب است، هر چند تلاش می‌کند با بازیگری در این تحولات قدرت منطقه‌ای خود را ارتقا بخشد.

ج) حوادث سوریه^۱

ترکیه و سوریه از گذشته تا به حال در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند و تنش در روابط این دو کشور همسایه سابقه‌ای دیرینه دارد، به طوری که در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ م. آنکارا، سوریه را به خاطر حمایت از تروریست‌های

1- Syria

پ.ک.ک، یک تهدید امنیتی عمده تلقی می‌کرد. در اکتبر ۱۹۹۸م. روابط این دو کشور به نقطه بحرانی رسید. زمانی که ترکیه، سوریه را تهدید کرد، اگر دمشق حمایت خود را از پ.ک.ک. متوقف نکند به سوریه حمله خواهد کرد. از این رو به خاطر برتری نظامی ترکیه، سوریه عقب نشینی کرد و رهبر این گروه تروریستی یعنی عبدالله اوجالان^۱ را اخراج کرده و کمپ‌های آموزشی پ.ک.ک را بست. اخراج اوجالان و بسته شدن اردوگاه‌های پ.ک.ک به بهبود تدریجی روابط منجر شد. (Larrabee, 2008, p14)

به طور کلی مسأله کردها، تقسیم منابع آبی مشترک و اختلاف ارضی بر سر استان هاتای، همواره سه مسأله مهم و اختلاف انگیز در روابط ترکیه و سوریه بوده‌اند. اما تحولات جدید در خاورمیانه، تغییر نگرش سیاسی در هیأت حاکمه سوریه به همراه تحولات حادث شده در درون جامعه سیاسی ترکیه باعث شده بود که این دو کشور تعارضات گذشته را تا حدودی کنار گذاشته و رو به سوی تعامل با یکدیگر بیاورند. به طوری که بهبود نسبی روابط ترکیه و سوریه طی سال‌های اخیر سبب شده بود که کشور سوریه به میانجیگری ترکیه در روند مذاکرات صلح با رژیم صهیونیستی اسرائیل رضایت دهد. (واعظی، بی تا: ۵۸)

اگر چه روابط دو کشور در پی اتخاذ سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان از سوی آنکارا، بر اساس دکترین احمد داوود اوغلو، از پیشرفت چشمگیری برخوردار شده بود. اما همزمان با شروع اغتشاشات داخلی در سوریه، این زخم‌های التیام یافته دوباره سر باز کرد و ترکیه در همراهی با جهان غرب تلاش کرد تا شرایط را به نحوی سامان دهد تا سرانجام دولت بشار اسد سقوط کند؛ تا جایی که نخست وزیر این کشور پا را فراتر گذاشت و بحران داخلی در سوریه را در زمره مسایل داخلی ترکیه تلقی کرد. هر چند ترکیه در قبال ناآرامی‌های سوریه در ابتدا «الگوی دو گام به جلو و یک گام به عقب» را پیش گرفته بود؛ اما با پیشرفت ناآرامی‌ها، این کشور الگوی سقوط حکومت و همراهی با جهان غرب را در پیش گرفت. از نظر جهان غرب وضعیت کنونی سوریه، به دوره سرکوب مردم از سوی معمر قذافی در لیبی شبیه است. آن‌ها معتقدند در هر دو کشور مردم به دنبال سرنگونی یک دیکتاتور بودند. در هر دو مورد

به طور قابل ملاحظه‌ای بقیه جهان عرب، از جمله تعدادی از رژیم‌های استبدادی طرفدار خیزش مردمی و سرنگونی رژیم موجود هستند و احتمالاً در هر دو مورد برای اطمینان از حصول چنین نتیجه‌ای در سطحی به مداخله خارجی نیاز شود. در نهایت امریکا، در مقایسه با لیبی، در مورد سوریه بیشتر خواستار تغییر رژیم است.

(<http://www.rand.org/commentary/2012/02/14/USNEWS.html>)

به نظر می‌رسد ترکیه چند هدف عمده را از تحولات سوریه مطالبه می‌کند. اول، این کشور در تلاش است با موضع‌گیری‌های همسو با جهان غرب علیه سوریه، تنش‌ها و سوءتفاهم‌هایی که در روابط این کشور با ایالات متحده و رژیم اشغالگر قدس به وجود آمده را برطرف کند و به طرف‌های غربی ثابت کند که این کشور همچنان همسو با سیاست‌های آن‌ها در خاورمیانه حرکت می‌کند. دوم، ترکیه با توجه به مناسبات حسنه که با اخوان المسلمین و شورای مخالفان سوریه دارد در صدد است با ساقط کردن بشاراسد، گروه‌ها و اشخاص مورد نظر خود را در این کشور حاکم کند، سوم، سوریه از متحدین اصلی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه است و با سقوط بشار اسد، موقعیت ایران که از رقبای منطقه‌ای ترکیه است تضعیف خواهد شد. چهارم: ترکیه به دنبال آرمان احیا امپراتوری عثمانی است. از سویی به سه دلیل، آنچه که در سوریه روی می‌دهد بسیار برای ترکیه اهمیت دارد: موقعیت ژئوپلیتیک این کشور، جمعیت آن، و تأثیری که کشمکش سوریه می‌تواند بر ایران، لبنان و رژیم صهیونیستی اسرائیل داشته باشد. به رغم این واقعیت که اصلاحاتی در سوریه در حال انجام است و قانون اضطراری سال ۱۹۶۳م. لغو شده، انبوهی از پناهندگان در طی چند ماه گذشته وارد ترکیه شده‌اند و رابطه تعاملی که ترکیه با سوریه طی سال‌های اخیر برقرار کرده در حال تبدیل شدن به منازعه تمام عیار است.

بنابراین ترکیه با اقداماتی چون برگزاری نشست مخالفان در ترکیه، ارسال سلاح و آموزش گروه‌های تروریستی، باز کردن مرز برای ورود مخالفان و اولتیماتوم قاطع به حکومت بشار اسد جهت کناره‌گیری از قدرت باعث شده است تا کارشناسان از آن با عنوان موضع سرسختانه ترکیه در قبال حکومت سوریه یاد کنند. در این میان، انتقادات تند اردوغان از بشار اسد موجبات ناراحتی ایران را فراهم آورده است، زیرا سوریه برای ایران تنها متحد استراتژیک در کل منطقه خاورمیانه و به ویژه در جهان عرب به شمار

می‌رود. این که ترکیه آشکارا خواهان پایان حکومت اسد در سوریه می‌شود حتی موجب شده که روابط نزدیک میان ایران و ترکیه که در طی نه سال گذشته از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه برقرار گشته، نیز با تهدید روبرو گردد، هر چند طرف ایرانی در این میان تا حد زیادی خویشتن داری کرده است. (حافظیان، ۱۳۹۰، <http://merc.ir>) برخی کارشناسان به غلط حوادث سوریه را در ادامه بیداری اسلامی می‌دانند؛ اما نگارنده تحولات رخ داده در سوریه را، در ادامه مسیر بیداری اسلامی نمی‌داند و معتقدم آنچه که در سوریه اتفاق می‌افتد توطئه امریکایی-اسرائیلی است و چنانچه گفته شد در نهایت با هدف تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران و حذف یکی از محورهای اصلی مقاومت در منطقه صورت می‌گیرد. در این میان بیشتر کشورهای عربی نیز با پیش قراولی عربستان و قطر و همچنین ترکیه تلاش می‌کنند، این طرح امریکایی-اسرائیلی را به نتیجه برسانند. ایران معتقد است اصلاحات در سوریه باید در فضایی آرام و آزاد و مشارکت جمعی مردم این کشور انجام شود. همچنین جمهوری اسلامی ایران با اقدامات تروریستی که از سوی دولت های خارجی فوق‌الذکر حمایت می‌شوند، مخالف است.

۵) چشم انداز مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و ترکیه

چندین دهه ترکیه در رویکردی متفاوت با جهان اسلام در تعامل با غرب قرار گرفته بود. یکی از اصول سیاست خارجی این کشور، عدم دخالت در امور خاور میانه (اصول کمالیسم) و مناطق اسلامی دیگر بود که نشانگر دوری گزیدن ترکیه از شرق اسلامی و رخدادهای آن است. اما به تدریج هم جریانات اسلامی به رشد قابل توجهی رسیدند و هم سیستم تک حزبی در ترکیه جای خود را به سیستم چند حزبی داد. بنابراین زمینه برای انتشار پدیده اسلامگرایی در ترکیه فراهم شد.

ترکیه به دلیل ویژگی‌های ساختار قدرت در این کشور و جایگاهی که در نظام بین-الملل دارد، خواهان حضور و ایفای نقش فعال‌تری در مسایل منطقه‌ای است. سیاست حضور فعال ترکیه در مسایل منطقه‌ای همزمان با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲م. و تغییرات جدی در سیاست داخلی و خارجی این کشور برای رسیدن به اهداف ملی در پیش گرفته شده است. دولت جدید ترکیه به دلیل نیازهای ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک سعی در افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی ترکیه دارد.

احمد داوود اوغلو وزیر امور خارجه و طراح سياست خارجي جديد اين کشور در یک سخنرانی در میان ديپلمات‌های این کشور اظهار داشت که: ترکیه باید تا سال ۲۰۲۳ م. یعنی صدمین سالگرد جمهوری ترکیه، یکی از ده کشور پیشرو و توسعه یافته اقتصادی در جهان باشد و برای تحقق این هدف برقراری روابط خوب و سازنده با ایالات متحده، اتحادیه اروپا و جهان اسلام ضروری است. بنابراین ترک‌ها تلاش می‌کنند تا سال ۲۰۲۳ م. این کشور در جمع ۱۰ کشور پیشرفته دنیا قرار گیرد. (واحدی، ۱۳۸۹: ۲۳) این هدف برای ترک‌ها هدفی غیر قابل دسترس نیست. بنابراین اگر ترکیه در سال یادشده در جمع ۱۰ کشور برتر جهان هم نباشد، با روند حرکت کنونی خود جایگاهی بسیار بهتر از امروز خواهد داشت. بدیهی است با توجه به اهداف آرمانی ترکیه برای تبدیل شدن به کشوری توسعه یافته و تبدیل شدن به ۱۰ قدرت برتر اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۳ م. تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه ای 'مفروض دولتمردان و نخبگان ترکیه در رسیدن به اهداف پیش بینی شده است.

اما جمهوری اسلامی ایران نیز در سند چشم انداز ۱۴۰۴ ش. بر اساس برنامه-ریزی‌های صورت گرفته، به دنبال آن است که کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح (منطقه جنوب غرب آسیا) با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل باشد. در زمینه سیاست خارجی نیز ایران به دنبال تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه حضرت امام(ره) می‌باشد. دکترین تعامل سازنده را می‌توان بدین صورت تعریف کرد که: «اتخاذ سیاستی فعال، پویا، تأثیرگذار، جهت دار با شناخت دقیق از معادلات سیاسی به عنوان بازیگری قدرتمند در صحنه روابط بین‌الملل و منطقه و آن مرحله‌ای پیشرفته تر از سیاست تنش زدایی می‌باشد. این سیاست در سطوح مختلف جهانی، جهان اسلام، منطقه خاورمیانه، همسایگان و ملی باید اعمال گردد.» (محمدی و متقی، بی تا: ۲۳۱) بنابراین بر اساس سند چشم انداز سیاست خارجی ایران تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت خواهد بود و مناسبات سیاسی-امنیتی ایران با ترکیه

1- Superior Regional Power

2- Sought vest Asian Region

نیز از این قاعده مستثنی نیست. بلکه به دلیل پیوندهای عمیق فرهنگی و تمدنی بین دو ملت و پیوستگی جغرافیایی می‌تواند از عمق بیشتری نیز برخوردار باشد. اما برای تحقق این تعامل سازنده با ترکیه موانعی دیده می‌شود که می‌تواند دیوار بی‌اعتمادی بین مناسبات تعاملی دو کشور را بلندتر کند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- ایدئولوژی و ساختار حکومتی متفاوت ۲- روابط استراتژیک ترکیه با آمریکا و اسرائیل ۳- عضویت ترکیه در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) ۴- رقابت منطقه‌ای و تلاش برای رهبری جهان اسلام ۵- ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی ترکیه ۶- قدرت نظامی و رقابت تسلیحاتی ۷- تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا.

البته در این میان تنها به عوامل واگرایی نباید توجه داشت، چرا که ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه‌ای همسایه دارای اشتراکات فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و اسلامی متعددی هستند که می‌تواند پیوند دهنده دو ملت و دولت باشد. اما این امر زمانی محقق می‌شود که اراده مستحکمی از طرف هر دو کشور برای گسترش مناسبات به وجود آید و همگرایی نسبی نیز در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی حاصل شود. به طور کلی مهم‌ترین فرصت‌های موجود در راستای همگرایی و ارتقای روابط بین دو کشور ایران و ترکیه عبارتند از:

- ۱- میراث مشترک دینی و فرهنگی ۲- پیوستگی جغرافیایی ۳- عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای (کنفرانس اسلامی، اکو و D8) ۴- موقعیت ژئوپلیتیک در انتقال انرژی ۵- همکاری‌های امنیتی (مطالعه موردی کردها) ۶- نیازهای متقابل در رفع تنگناهای ژئوپلیتیکی.

نتیجه‌گیری

مناسبات سیاسی، امنیتی ایران و ترکیه در دوره امپراتوری عثمانی تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. با بررسی این مناسبات از نظر نظریات روابط بین‌الملل می‌توان چنین نتیجه گرفت که: مناسبات سیاسی، امنیتی دو کشور در دوره عثمانی غالباً با تعارض و منازعه همراه بوده است. هر چند این محیط آنارشیک را نمی‌توان مطلق دانست و یا به دوره‌های بعدی نیز تعمیم داد. اما به هر حال مناسبات این دو کشور در دوره عثمانی بیشتر با فرهنگ‌ها بزی سازگاری دارد.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی مناسبات این دو کشور از فرهنگ‌های فاصله گرفت و در عوض فرهنگ لاک‌پشتی و حتی کانتی تقویت شد. از این رو، این برهه تاریخی از مناسبات ایران و ترکیه را می‌توان دوره مبتنی بر همکاری و تعامل دانست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دلیل تغییر سیاست خارجی ایران از غربگرایی به غرب ستیزی و گسترش دامنه انقلاب به خارج از مرزهای ایران و رقابت ایران و ترکیه در مسایل منطقه‌ای (خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز)، الگوی حاکم بر مناسبات ایران و ترکیه غالباً به فرهنگ لاک‌پشتی نزدیکتر است. یعنی همکاری همراه با رقابت بر مناسبات دو کشور سایه افکننده است.

دوره چهارم مناسبات که بر اساس سند چشم‌انداز است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال استراتژی تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل است. اما تحقق این سیاست خارجی در مناسبات سیاسی، امنیتی ایران با ترکیه با تهدیدهایی همراه است مانند تفاوت ایدئولوژی و ساختار حکومتی، غرب‌گرایی ترکیه، عضویت در ناتو، تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا، روابط با رژیم صهیونیستی اسرائیل، ناسیونالیسم و رقابت تسلیحاتی که سیاست تعامل سازنده با این کشور را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. هر چند نباید از مؤلفه‌های تعامل همانند عضویت دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، اگو، دی‌هشت و همچنین میراث مشترک دینی و فرهنگی، پیوستگی جغرافیایی، همکاری‌های امنیتی به ویژه در مورد کردها، انتقال انرژی و نیازهای دو کشور در رفع تنگناهای ژئوپلیتیکی یکدیگر غافل ماند. اگرچه زمینه‌های همکاری ذکر شده می‌تواند برای برقراری مناسبات سیاسی، امنیتی تعاملی در سند چشم‌انداز دو کشور تأثیرگذار باشد؛ اما موانع تعامل، جدی‌تر از آن هستند که این همکاری‌ها بتوانند بر آن‌ها فایز آیند. مگر این‌که تغییرات ساختاری بنیادینی در ترکیه اتفاق افتد، مانند دامنه بیداری اسلامی که می‌تواند ترکیه را نیز در برگیرد.

بنابراین به طور کلی برای مناسبات سیاسی، امنیتی ایران و ترکیه در طول تاریخ نمی‌توان نسخه‌ای واحد پیچید. مناسبات دو کشور در برهه‌های تاریخی مختلف از فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. که گاه این مناسبات تعاملی، گاهی تنازعی و در برخی برهه‌های زمانی با رقابت همراه بوده و هست.

کتابنامه:

منابع فارسی

- ۱- اخبازی، محمد(۱۳۸۳)، جغرافیای کشورهای همجوار- جمهوری ترکیه، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- ۲- استانفورد، جیشاو(۱۳۷۰)، ترجمه محمود رمضانزاده، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- بیگدلی، علی (۱۳۸۷)، روابط خارجی ایران عصر صفوی، وب سایت راسخون به نقل از ماهنامه زمانه، یک شنبه ۲۹ دی ۱۳۸۷، به آدرس: <http://www.rasekhoon.net/article/show-19042.aspx>
- ۴- جعفری، علی(۱۳۹۰)، گزارش تحلیلی ارزیابی مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.(www.tisri.org)
- ۵- حافظیان، محمدحسین(۱۳۹۰)، موضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه سازگاری‌ها و تناقض‌ها، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، بازیابی ۲۹/۰۸/۱۳۹۰، کد: <http://merc.ir>، ۱۴۶۹.
- ۶- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه(۱۳۸۸)، جمهوری ترکیه (کتاب سبز)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۷- دهقان، یدالله، حسین پور، مرتضی(۱۳۹۰)، پژوهش و تحقیق نگاهی به روابط رو به رشد ایران و ترکیه در سال‌های اخیر، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- ۸- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴)، احسن التواریخ، تهران: اساطیر.
- صالحی، نصرالله(۱۳۸۸)، لشکرکشی سلطان مراد چهارم به ایروان و تبریز علل و نتایج(۱۰۴۵-۱۰۴۴ ه.ق)، تاریخ اسلام و ایران فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره یک، پیاپی ۷۵.
- ۹- عابدینی، ابوالفضل(۱۳۸۸)، قراردادهای صلح ایران و عثمانی و کاهش تنش‌های مذهبی بین دو کشور در عصر صفوی و افشاری، فصلنامه تاریخ ایران، شماره ۶۰/۵.
- ۱۰- عسگرخانی، ابومحمد و منصورى مقدم، جهانشیر(۱۳۸۹)، همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل نگاهی به نظریه سازه انگارانه الکساندر ونت، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۳، پائیز.

- ۱۱- کوزه گرکالچی، ولی (۱۳۸۹)، گزارش راهبردی ۳۳۶ استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه دلایل و پیامدها، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۲- محمدی، منوچهر، متقی، ابراهیم، چشم انداز ۲۰ ساله، دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور، فصلنامه راهبرد یاس، سال اول، شماره دوم.
- ۱۳- مسترز، بروس (۱۳۸۵)، عهدنامه‌های اول و دوم ارزنة الروم و تغییر وضعیت ایرانیان در امپراتوری عثمانی، ترجمه صالحی، نصرالله، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۱۰، ش ۳۸، تابستان.
- ۱۴- مشفق‌فر، ابراهیم (۱۳۸۲)، طرح اتحاد ایران و اروپا در دوره صفوی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال چهارم، اسفند.
- ۱۵- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ ششم.
- ۱۶- ملکی، صادق (۱۳۸۳)، روابط ایران و ترکیه، همشهری دیپلماتیک، تهران.
- ۱۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل، بررسی سوابق مناقشات مرزی ایران و عراق، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، به آدرس: <http://www.dsrc.ir>.
- ۱۸- نرم افزار چند رسانه‌ای آثار حضرت امام (ره)، مرکز نشر و آثار حضرت امام خمینی (ره)، (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۹۸)
- ۱۹- نفیسی، سعید (۱۳۴۵)، تاریخ معاصر ایران از کودتای اسفند ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰، تهران.
- ۲۰- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۱- واحدی، الیاس (۱۳۸۹)، پژوهش و تحقیق الگوی استراتژیک ترکیه و منافع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

منابع خارجی و وب گاه‌ها

- 1- Dobbins, James, Syria Is Trending Toward the Libya Model, Rand Corporation, Debate Club on February 14, 2012. <http://www.rand.org/commentary/2012/02/14/USNEWS.html>
- 2- Larrabee, F. Stephen, Turkey as a U.S. security partner, RAND Corporation, 2008, p:14, 3-3- <http://www.rand.org/pubs/monographs/MG694.html>